

Connection of concepts of civil rights with emphasis on the Iranian legal system

Sevda Amiri Zarghabad*
Zahra Pirastehfar**

Received: 2017/12/09

Accepted: 2018/02/28

Human life on this planet has been done in different ways since its inception. In fact, due to the prevailing conditions, humans have experienced phenomena such as cave-dwelling and rural-dwelling. Most people now live in urban areas, and citizenship rights are the rules governing the regulation of individuals' relationships in urban communities. In fact, all people who are citizens of a country have these rights and there should be no discrimination in this regard. Throughout human life, especially since the emergence of human civilizations, in countries that have had civilizations, the roots of citizenship rights can be traced, even in their infancy. Even today, when societies have reached sufficient maturity at their political attitude, in other words, it can be said that each country has its own political system, the role of citizenship rights has become more important. Therefore, our country is no exception to this rule, so what is considered in this article is to study the impact of citizenship rights on the Iranian legal system. Because the legal system of the countries of the world, especially Iran, is not limited to the constitution and citizenship rights as a natural right can have a great impact.

Keywords: Citizen, Legal System, Historical Development, Charter of Citizenship Rights, Citizenship Rights.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* MSc of Public Law University of Tabriz, Tabriz, East Azerbaijan, Iran (Corresponding Author).

sevdaamiri20202020@gmail.com

** MSc of Public Law, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

z.pirastefar@gamil.com

ملازمه مفاهیم حقوق شهروندی با تأکید بر نظام حقوقی ایران

سودا امیری زرگ آباد*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۸

زهرا پیراسته فر**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۹

چکیده

زندگی بشر از بدو پیدایش بر این کره خاکی، به شیوه‌های مختلفی صورت پذیرفته است. در حقیقت به اقتضای شرایط حاکم، انسان‌ها پدیده‌هایی همانند غارنشینی و روستانشینی را تجربه کرده‌اند. در حال حاضر اغلب انسان‌ها به صورت شهرنشینی زندگی می‌کنند و حقوق شهروندی قواعد حاکم بر تنظیم روابط افراد در جوامع شهری است. در حقیقت تمامی افرادی که تابعیت کشوری را دارند، از این حقوق برخوردار می‌باشند و نباید تبعیضی در این رابطه روا داشت. در طول حیات بشر، به خصوص از زمان پیدایش تمدن‌های بشری، در کشورهایی که صاحب تمدن بوده‌اند، ریشه‌هایی از حقوق شهروندی ولو به صورت ابتدایی را می‌توان مشاهده کرد. امروزه نیز که جوامع در سطح سیاسی خویش به بلوغ کافی رسیده‌اند و به عبارتی می‌توان گفت هر کشوری نظام سیاسی مخصوص به خود را داراست نقش حقوق شهروندی از اهمیت والاتری برخوردار گشته است. بنابراین کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست لذا آنچه در این مقاله مدنظر است، بررسی تأثیر حقوق شهروندی بر نظام حقوقی ایران می‌باشد. زیرا نظام حقوقی کشورهای جهان علی‌الخصوص ایران، فقط در قانون اساسی خلاصه نمی‌شود و حقوق شهروندی به عنوان یک حقوق فطری تأثیر بسزایی را می‌تواند ایفا نماید.

واژگان کلیدی: شهروندی، نظام حقوقی، سیر تحول تاریخی، منشور حقوق شهروندی، حقوق شهروندی.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه تبریز، آذربایجان شرقی، ایران (نویسنده مسئول).
sevdaamiri20202020@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
z.pirastefar@gamil.com

مقدمه

حقوق شهروندی یکی از مبانی فکری دموکراسی و مفاهیم اساسی زندگی دموکراتیک به شمار می‌رود. حقوق شهروندی به کلیه حقوقی گفته می‌شود که یک شهروند بر اساس قوانین و مقررات و ارزش‌های مشترک در یک کشور از آن برخوردار است. مسئله حقوق بشر را می‌توان مهم‌ترین تحول حقوق بین‌الملل در قرن بیستم تلقی کرد و حقوق بشر اعم از حقوق شهروندی است. منابع بین‌المللی متعددی در زمینه حقوق شهروندی وجود دارد. مفهوم شهروندی از نظر قلمرو شمول نیز پیوسته گسترش می‌یابد؛ به گونه‌ای که، امروزه از شش نوع شهروندی یاد می‌شود: شهروندی سیاسی، شهروندی اجتماعی، شهروندی جنسیتی، شهروندی قومی، فرهنگی، اقتصادی و سرانجام شهروندی جهانی. شهروندی از جمله مفاهیم نوپدید است که به طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. مقوله (شهروندی) وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های موردنظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. حقوق شهروندی که پیشینه آن بسیار فراتر از ایده نوین حقوق بشر است، با توجه به مفهوم جامعه مدنی و شخصیت یافتن جهانی انسان‌ها در چارچوب رهیافت حقوق بشر جهان‌شمول رنگ و بویی تازه‌تر و همگانی‌تر از مفهوم شهروندی است که پس از جنگ دوم جهانی پدیدار شد. شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقاء شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد. ضمن اینکه شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند، و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقاء شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد (شهریاری، ۱۳۹۶، صص. ۱۰۹-۱۱۰). این گفتار برآنست تا ضمن معرفی مفهوم شهروندی، حقوق شهروندی، سیر تکاملی این مفهوم، و جایگاه و اقسام آن در نظام حقوقی ایران، به تأثیراتی که این حقوق بر نظام حقوقی ایران می‌گذارد، بپردازد.

۱. بیان مسئله

۱-۱. تعاریف و مفاهیم

مفهوم حقوق شهروندی یکی از مفاهیم مهم و پرکاربرد در علم حقوق می‌باشد. حقوق شهروندی مقوله‌ای است که در سال‌های اخیر در نظام حقوقی ایران بسیار مورد توجه قرار گرفته است. لذا در راستای تبیین مفهوم حقوق شهروندی ابتدا واژه‌شناسی مفهوم شهروند به منظور تبیین هر چه بهتر مفهوم حقوق شهروندی اهمیت دارد.

۱-۱-۱. مفهوم شهروند

واژه «شهروند» معادل (polites) یونانی و (citizen) انگلیسی و (citoyen) فرانسه است (عنایت، ۱۳۸۵، ص. ۱۷). در ادبیات فارسی، شهروند کسی است که اهل یک شهر یا یک کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد (افشاری، ۱۳۷۵، ص. ۵۲). در حقوق بین‌الملل به معنای مصطلح آن - شهروند، تنها به فردی که در واحد سیاسی حکومت، از حقوق کامل سیاسی و مدنی بهره‌مند باشد، قابل اطلاق است (گولد و کولب، ۱۳۷۴، ص. ۳۲۸).

در زبان فرانسه کلمه شهروند از شهر^۱ و سیت^۲ از واژه لاتینی سیویتاس^۳ مشتق شده است که تقریباً معادل کلمه (polis) در زبان یونانی است که به معنای شهر است (پللو، ۱۳۷۰، ص. ۱).

۱-۱-۲. واژه «شهروند» در ایران

واژه شهروند در ادبیات ما واژه‌ای نو و تازه است به طوری که حتی در فرهنگ‌های عمومی مثل فرهنگ معین و عمید مورد بررسی واقع نشده است. در فرهنگ روز سخن شهروند به معنی «اهل یک شهر یا یک کشور» (انوری، ۱۳۸۳، ذیل واژه شهروند) و در فرهنگ فارسی امروز شهروند را «کسی که اهل یک کشور یا یک شهر باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار می‌شود» (صدری افشار، ۱۳۷۷، ذیل واژه شهروند) تعریف نموده است. همچنین در فرهنگ علوم سیاسی، شهروند چنین تعریف شده است: «کسی که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است» (آقابخشی و افشاری، ۱۳۸۳، ذیل واژه شهروند).

پیشنهاد واژه شهروند به جای (citizen) به آقای دکتر حمید عنایت نسبت داده شده است (آریان‌پور کاشانی، ۱۳۸۰).

واژه شهروند، ترجمه لغت (citizen) است که از واژه لاتینی (civitas) مشتق شده است. شهر، تنها مجتمعی از ساکنان نیست؛ بلکه واحدی سیاسی و مستقل است. شهروند، کسی است که به آن تعلق دارد و شرایط لازم را برای مشارکت در اداره امور عمومی دارد (پللو، ۱۳۸۹، ص. ۱).

امروزه، معمولاً دو اصطلاح شهروندی^۳ و ملیت^۴ به صورت مترادف به کار گرفته می‌شوند (براتعلی‌پور، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۱).

مفهوم (citizen) در فرهنگ لغت، به معنای شهری، بومی، اهل شهر، اهل، تابع، رعیت، شعبه شخصی (در مقابل نظامی) تبعه یک کشور است (آریان‌پور کاشانی، ۱۳۸۰). مترجمین و رسانه‌های جمعی - به خصوص مطبوعات - رواج‌دهنده این کلمه در ادبیات حقوقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران در سال‌های اخیر بوده‌اند (حقگو، ۱۳۸۷، ص. ۵۵).

در اصطلاح، شهروندی در بعد اجتماعی ایده‌ای است که در اروپای غربی زاده شد و در قرن شانزدهم هم‌زمان با فراگیر شدنش انتشار یافته است. مفهوم شهروندی اهمیت بسیاری برای علوم اجتماعی به منزله یک کل داشته و نیز برجستگی ویژه‌ای در نظریات سیاسی و جامعه‌شناسی دارد (ترنز، ۱۳۸۶، ص. ۱۵۴).

در نهایت، در یک مفهوم کلی می‌توان گفت که شهروند کسی است که حقوق فردی و جمعی خود را می‌شناسد و از آنها دفاع می‌کند، قانون را می‌شناسد و به آن عمل می‌کند و از طریق آن مطالبه می‌کند، از حقوق معینی برخوردار است. می‌داند که فرد دیگری هم حضور دارد و دفاع از حقوق او یعنی دفاع از حقوق خودش و فردی که در امور شهر مشارکت دارد. پس شهروند نه تنها به معنای سکونت در یک شهر به مدت مشخص که به معنای مجموعه‌ای از آگاهی‌های حقوقی، فردی و اجتماعی است. از این‌رو (شهروندی) توانایی افراد را برای قضاوت در مورد زندگی خودشان تصدیق می‌کند و زندگی آنها از پیش به وسیله نژاد، مذهب، طبقه جنسیت و یا صرفاً از روی یکی از هویتشان تعیین نمی‌شود. می‌توان گفت که شهروندی، موقعیتی است که فرد با برخورداری از آن می‌تواند در یک جامعه سیاسی، اخلاقی شده و زندگی خود را بر

اساس وابستگی های متقابل و بر اساس وابستگی های متقابل و بر اساس موازین و تعادل حقوق و مسئولیت های اجتماعی ساماندهی کند (شهریاری، ۱۳۹۶، ۱۱۲-۱۱۳).

۲-۱. مفهوم حقوق شهروندی

همان گونه که ممکن است حقوق و تکالیف خاصی، متوجه مفاهیم ذهنی و عینی متفاوتی گردد، مفهوم شهروندی نیز از این قاعده مستثنی نیست و از حقوق و تکالیف ویژه ای برخوردار است. علی ایحال آنچه مدنظر است حقوق مربوط به شهروندی در جامعه می باشد.

حقوق شهروندی به مجموع حقوق و آزادی هایی گفته می شود که دولت اجرای آن را طبق قوانین داخلی برای اتباع خود تأمین و تضمین کرده است و محتوای آن ممکن است از یک کشور به کشور دیگر متفاوت باشد (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۸، ص. ۹).

شهروندی منزلتی است برای فرد در ارتباط با یک دولت که از نظر حقوق بین الملل نیز محترم شمرده می شود. به حقوق فرد و تکالیف او در برابر دولت رابطه شهروندی گویند. که چگونگی آن را قانون اساسی و قوانین مدنی کشور معین می کند «اساساً کسی (شهروندی) شمرده می شود که تنها فرمان گذار دولت نباشد، بلکه از حقوق فطری و طبیعی نیز برخوردار باشد و دولت این حقوق را رعایت و از آن حمایت کند. منزلت شهروندی را قوانین هر دولتی تعیین می کند و معمولاً تابع دو سنجه است: یکی زادگاه، و دیگری ملیت پدر و مادر. شهروندی یک کشور از راه ازدواج با زن و مرد شهروندی آن کشور نیز به دست می آید. اما این گونه شهروندی معمولاً همه حقوق شهروندی (از جمله کسب مشاغل دولتی) را با خود نمی آورد» (راسخ، ۱۳۸۲، ص. ۲۷).

۲. سیر تاریخی طرح حقوق شهروندی

تاریخچه پیدایش حقوق شهروندی را می توان در ابعاد متفاوتی مورد بررسی قرار داد، از جمله تاریخچه بین المللی حقوق شهروندی، تاریخچه پیدایش حقوق شهروندی پیش از انقلاب و در نهایت پس از انقلاب اسلامی.

۲-۱. تاریخچه بین المللی پیدایش حقوق شهروندی

تاریخچه بین المللی حقوق شهروندی را می توان در سه دوره یعنی دوره باستان، قرون

وسطی و بعد از رنسانس مورد بررسی قرار داد. منظور از دوران باستان، دوران قبل از اواخر قرن پنجم میلادی است و کشورهای یونان، رم و ایران باستان را دربرمی‌گیرد. به طور کلی در گذشته همواره رسم بر این بوده است که مردم به عنوان رعیت از حقوق و امتیازات بسیار کمتری نسبت به حاکمان خویش برخوردار بودند. در کشورهای همانند رم و یونان نیز افراد دارای شأن و منزلت یکسانی نبودند و طبقات مختلف با منزلت اجتماعی متفاوتی وجود داشت و برخی از این افراد اشراف‌زاده و به عبارتی شهروند تلقی شده و گروهی دیگر که شامل فقرا و بردگان می‌شدند، از حقوق شهروندی محروم بودند. در حقیقت هنگامی که جوامع به صورت ابتدایی شکل می‌گرفتند اصولاً واژه‌ای به عنوان شهروند و به تبع آن حقوقی به عنوان حقوق شهروندی متصور نبود. اما پس از تشکیل تمدن‌های بشری و طبقه‌بندی افراد تشکیل‌دهنده این دولت - کشورها، واژه شهروند و حقوق شهروندی نیز به وجود آمد. به طور مثال در یونان باستان طبقه‌ای از انسان‌ها وجود داشتند که نسبت به دیگران از حقوق خاصی برخوردار بودند. این افراد مردانی بودند که ۲۱ سال سن داشتند و از پدر و مادری آنتی متولد شده بودند. در حقیقت فقط افراد مذکور شهروند تلقی شده و از حقوق شهروندی برخوردار بودند. پس از این دوره، دوره میانه یا همان قرون وسطی نامیده می‌شود دوران رواج حکومت‌های ملوک‌الطوایفی است که با رواج فئودالیتة قدرت و حاکمیت کلیسا افزایش پیدا کرد. بنابر گواه تاریخ، این دوره یکی از سیاه‌ترین دوران حیات بشر و به تبع آن نقض حقوق شهروندی بوده است. آخرین دوره، دوران بعد از رنسانس است. علی‌رغم اینکه قرون وسطی دوره سیاهی را در ارتباط با حقوق شهروندی ایجاد کرد، با این حال تأثیر مثبتی را در هشیاری مردم ایفا کرد. ایده شهروندی به طور جدی برای نخستین بار در این دوران با نقد شهروندی قرون وسطی و با برگشت به تجربه روم و یونان باستان مطرح گردید و اعلامیه مدون ۱۷۸۹ میلادی در جریان انقلاب فرانسه، به طور رسمی از عبارت «حقوق شهروندی» نام برده شد (نقی‌پور و علیزاده، ۱۳۹۲، صص. ۴۷-۵۳).

۲-۲. تاریخچه حقوق شهروندی در ایران

قالب نظام سیاسی حاکم بر ایران در دوره قاجار سلطنت استبدادی بود. شاهان قاجاری

در این دوره، به عنوان شاهنشاه، حافظ الرعایا و داور نهایی تمامی اختلافات داخلی و خارجی در کشور از جایگاهی بسیار خاص برخوردار بودند؛ چنانکه دربار قاجار به عنوان مرجع نهایی، مسائل موجود کشور را بررسی و بر اساس مقتضیات و منویات حکام، درباره آنها تصمیم‌گیری می‌کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۸، ص. ۶۱).

شاهان قاجار، به عنوان ظل‌الله، فاتح الهی و پدر ملت، به فراخور حال و شهوات شخصی شأن دخالت در تمامی شئون زندگانی رعایا (مردم) را حق شاهی خود می‌دانستند و از آن بهره‌ها می‌بردند؛ چنانکه خود را مالک همه زمین‌هایی که قبلاً به کسی واگذار نشده بود و دارای حق اعطای همه امتیازات و انحصارات کشوری فرض می‌کردند. در نظر ایشان، احکام سلطان تا هنگامی که تعارض آشکاری با اصول اسلام نداشته باشد، قانون قلمداد می‌شود و اساساً اختیار کامل تمامی امور سرزمینی ایران همچون مایملک شخصی در دست اوست (مسعودی، ۱۳۹۹، ص. ۶۶).

قبل از انقلاب مشروطه ایران، حقوق شهروندی مدون و منقّحی در ایران وجود نداشت. البته فقدان حقوق مدون به معنای فقدان حقوق شهروندی نبوده است. در ایران از دیرباز اقلیت‌های مختلف مذهبی و قومی روزگار می‌گذراندند و اقلیت‌های مذهبی در احوال شخصیه نیز تابع مقررات و آیین دینی خود بودند. به دنبال انقلاب مشروطه، ایران برای نخستین بار صاحب قانون اساسی مدون گردید. قانون اساسی مشروطه به عنوان میثاقی میان دولت و ملت، قدرت مطلق پادشاه را محدود می‌ساخت. در متمم قانون اساسی مشروطه که در ۱۳۲۵ هجری قمری به تأیید نهایی رسید در فصلی با عنوان «حقوق ملت» مهمترین حقوق فردی و شهروندی در هجده اصل (اصول ۸ تا ۲۶) مورد تأکید قرار گرفت. متمم قانون اساسی مشروطه در عین حال که در اصل اول اشعار می‌داشت «مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه حقه جعفریه اثنی‌عشریه است و باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد». از حقوق شهروندی یکسان برای تمام مردم و اتباع ایران در مقابل قانون و همچنین حمایت قانون از تمام شهروندان و به تعبیر اصل هشتم متمم «اهالی مملکت ایران» سخن گفته بود. اصول هجده‌گانه مندرج در متمم قانون اساسی مشروطه، اصولی مترقی در دفاع از حقوق شهروندی در یک قرن پیش در ایران محسوب می‌شد (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۰).

قانون اساسی مشروطه در تاریخ ما جایگاهی یگانه دارد و سندی است حاصل

رشادت‌ها و مجاهدت‌های آزادی‌خواهان میهن‌دوستی که بر سر تصویب هر بند آن از روح و جان خویش مایه نهاده‌اند. با این همه داوری درباره محتوای این قانون و میزان انسجام درونی و ارتباط آن با قوانین مدرن نشان می‌دهد که در حوزه تحدید و توزیع (قوای سیاسی) کشور، قانون اساسی تا حد زیادی آرمان‌های روشنگری را محقق کرده است، آن‌چنان‌که برای نمونه می‌توان اصل ۵۷ متمم را مثال زد که بر مبنای آن قدرت پادشاه محدود می‌شود: (اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت حاضر تصریح شده است). و این‌گونه سند با تحدید خود اختیارات خاندان پادشاهی از یک‌سو و قوای مملکتی (قوه مجریه، مقننه و قضائیه) از سوی دیگر، گام مهمی در تحقق آرمان حکمرانی مدرن برداشته است. با این همه، با توجه به همان آشفته‌گی‌های فکری، تعرضات فراوانی نیز به متن این قانون؛ به ویژه در فصل (حقوق ملت ایران)، ره یافته و برخی از اصول آن به روشنی در تضاد با اصول دیگر است. برای نمونه در اصل هشتم متمم آمده است: «اهالی مملکت ایران در مقابل دولتی متساوی‌الحقوق خواهند بود». این اصل، در یک تفسیر، به طور ضمنی همگان را فارغ از هر عقیده، نژاد و مذهب، در مقابل قانون برابر می‌داند؛ در حالی که در اصل دوم متمم صراحتاً آمده است: مواد قانونی «باید در هیچ عصری از اعصار، مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامی بر عهده علمای اعلام ادام برکات وجودهم بوده و هست...» (رحیمی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۱). این تأکید بر سازگاری تمامی قوانین با شرع، در حالی که دین اسلام در احکام فقهی خود میان انسان‌ها به برابری، با تعریف مدرن آن، قائل نیست (از جمله میان زن و مرد و میان مسلمان و غیر مسلمان)، ناشی از عدم درک بنیادهای نظری مشروطه‌خواهی مدرن و عمق فلسفی مفهومی مثل (حق) است. در واقع بین پیش‌فرض‌های این اصل (اصل دوم متمم) و تمامی اصل‌هایی که با پیش‌فرض برابری همه انسان‌ها، متناسب با انسان‌شناسی مدرن، نوشته شده است، تعارضی روشن وجود دارد. درباره این قانون البته تفسیر دیگری نیز می‌توان داشت، گو اینکه برآیند این قانون ظاهراً چنین گزاره‌ای است: «هر قانونی که با دین اسلام در تضاد نبوده و بنابراین تصویب شده باشد»، لازم‌الاجرا است، اما حتی با چنین تفسیری هم باز مشخص است که این تفسیر از قانون

اساسی با مسئله قرارداد اجتماعی و حق طبیعی سازگاری ندارد. بنابراین گرچه قانون اساسی ایران، همچون قوانین برآمده از عصر روشنگری، با تصریح بر اینکه خاستگاه مشروعیت نظام‌های سیاسی تنها اراده (مردم یا افراد ملت) است و نه آسمان (فره ایزدی)، خون (نژاد) یا هر مرجع دیگر، کم و بیش موفق شده است قدرت بی‌مرز سیاست‌مداران و حاکمان را محدود کند؛ اما با مبانی انسان‌شناختی، هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی‌ای که برای تألیف یک قانون اساسی مدرن لازم است سازگاری ندارد (مسعودی، ۱۳۹۹، صص. ۱۳۴-۱۳۵).

پس از انقلاب اسلامی، در ارتباط با مفهوم (حقوق شهروندی) نیز، باید یادآور شد که اگرچه رعایت حقوق شهروندی از سوی حاکمیت در ایران از آغاز انقلاب مشروطه شروع شده و به تدریج گسترش یافته است، لیکن اصطلاح حقوق شهروندی در اوایل سال ۱۳۸۳ ابتدا در بخشنامه شماره ۱/۸۳/۷۱۶ مورخ ۱۳۸۳/۱/۲۰ رئیس قوه قضائیه و سپس در قانونی تحت عنوان «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» مصوب ۸۳/۲/۱۵ وارد ادبیات حقوق کیفری ایران شد. حقوق شهروندی در جایی مطرح می‌شود که حقوق بشر قرار است درون یک جامعه مدنی با در نظر گرفتن اولویت‌های زندگی اجتماعی، ذیل حکومت خاص و در سرزمین خاص و زم آن مشخص، شکل قانونی و اجرایی به خود بگیرد (جاوید، ۱۳۸۷، ص. ۲۷). البته برخی نویسندگان با اعتقاد عمیق به تمایز میان حقوق بشر و حقوق شهروندی، بر این باورند که پدیده شهروندی مربوط به دوران نسبتاً جدید است و به طور مستقیم، از نظریه «قرارداد اجتماعی» ژان ژاک روسو ناشی می‌شود (ترنر، ۱۳۸۶، ص. ۱۵۳).

۳. جایگاه حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران

حقوق شهروندی به کلیه حقوقی گفته می‌شود که یک شهروند بر اساس قوانین و مقررات و ارزش‌های مشترک یک کشور از آن برخوردار است این حقوق به ویژه در ارتباط دولتمردان با آحاد جامعه مدنظر است که باید از طرف گروه نخست مورد رعایت و احترام قرار گیرد که در قانون اساسی ما نیز عنوان حقوق ملت در فصل سوم از اصل نوزدهم تا اصل چهل و دوم قانون اساسی معین و مقرر شده است. اصل همه افراد ملت اعم زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و اصل بیستم اساسی مقرر می‌دارد

(جهانگیر، ۱۳۸۵، اصل ۲). که همه از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند؛ در اصل‌های دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم قانون اساسی، دین و مذهب رسمی ایران و حقوق اقلیت‌های دینی، و غیرمسلمانان را تبیین و رعایت اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی و حقوق انسانی را از طرف جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان نسبت به غیرمسلمانان مورد تأکید قرار داده است.

از جمع قوانین و مقررات یاد شده به این نتیجه می‌رسیم که اتباع ایرانی اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان به طور برابر و یکسان در حدود مقرر در قوانین از حقوق شهروندی برخوردارند. در عین حال همان‌طور که فرد در برابر اجتماع و حکومت از حقوقی بهره‌مند است در مقابل تکالیفی نیز برعهده دارد که نیز باید انجام دهد این عمل یک عمل یک‌طرفه نیست و چون فرد از مزایای اجتماع بهره‌مند می‌شود لازم است در مقابل، دین خود را برای جامعه ادا نماید و در ایجاد یک جامعه سالم، مرفه و خوشبخت خود را سهیم بداند. بدین ترتیب ارتباطی بین شهروند و دولت به وجود می‌آید که در نتیجه برای هر دو طرف حق و تکلیفی ایجاد می‌شود و به عنوان مثال شهروند از امتیازات سیاسی، اجتماعی و... برخوردار می‌شود و دولت مکلف است آن را محترم بشمارد و در مقابل شهروند به پرداخت مالیات و رعایت انتظامات دولتی و انجام وظیفه عمومی و غیره... مکلف می‌شود (شهریاری، ۱۳۹۶، صص. ۱۱۴-۱۱۵).

در حقوق داخلی هر کشور، قانون اساسی به عنوان مهمترین قانون که در آن اصول عمده و اساسی در اکثر زمینه‌ها از جمله حقوق ملت و شهروندان قید گردیده است، مورد توجه می‌باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اصولی را می‌توان یافت که به طور صریح یا ضمنی به حقوق شهروندان ارتباط می‌یابند. حتی فصل سوم (شامل اصول ۱۹ تا ۴۲) به (حقوق ملت) اختصاص یافته است آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در قالب یک ماده واحده و ۱۵ بند به بررسی ابعاد مختلف حقوق شهروندی پرداخته است. بنابر صدر ماده واحده قانون مذکور (از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی، دادسراها و ضابطان قوه قضائیه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجرا کنند (السان، ۱۳۸۷، ص. ۱۷).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از واژه شهروند استفاده نشده و در قوانین

عادی آن تا دهه‌های اخیر، این کلمه مورد اشاره مقنن نبوده است. حتی در فرهنگ معین و دهخدا، واژه شهروند وجود ندارد. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلمه (مردم) به تنهایی و یا به صورت صفت و موصوف، هفت بار به کار رفته‌اند و نشان از اهمیت این کلمات در فرهنگ سیاسی، اجتماعی و حقوقی ایران دارد. بند ۸ اصل سوم، تکیه بر مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی خویش دارد و در اصل نهم، دولت و «آحاد ملت»، وظیفه حفظ آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت اراضی کشور را برعهده دارند. در اصل یازدهم، همه مسلمانان، یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران، مؤظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسامی قرار دهد. فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با عنوان «حقوق ملت» است. واژگان امت، ملت و مردم، کلمات ارزشی به‌کاررفته در متون حقوقی و به خصوص قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هستند. «ایرانیان» هم، واژه آشنایی است که نظر به اجزای ملت دارد و در اصل سیزدهم و دیگر اصول به‌کار رفته است.

بررسی اصول قانون اساسی درباره (حقوق ملت) نشان می‌دهد که این اصول، علاوه بر حقوق فطری انسان‌ها، حقوق دیگری را برای شهروندان مقرر داشته‌اند که محصول پیشرفت در مفاهیم حقوق بشر بوده است. قانون اساسی به طور جداگانه از دو اصل (حق حیات) و (آزادی) سخن به میان نمی‌آورد. (اصل ۲۲) و آزادی بیان (اصل ۲۴) بررسی می‌کند. بیان حقوق ناشی از شهروندی در قالب حقوق ملت، این تردید را به وجود می‌آورد که غیرایرانیان در ایران از چنین حقوقی محروم هستند. با این حال، اطلاق اصول مختلف و قائل شدن حق بر تحصیل تابعیت ایران در اصل ۴۲ مبین آن است که چنین حقوقی برای تمامی افراد در ایران وجود دارد. هر چند که تضمین اجرا و رعایت آن در مورد اتباع کشورهای دیگر ممکن است با محدودیت‌هایی روبه‌رو شود.

سه اصل ۱۹ الی ۲۴ قانون اساسی، به بیان یک موضوع مهم در زمینه حقوق شهروندی اختصاص دارد: (مساوات و برابری). قانون اساسی، تمامی مردم ایران را صرف‌نظر از خصوصیات شخصی و قومی آنها دارای حقوق مساوی می‌داند (اصل ۱۹) و آنها را به طور مساوی در حمایت قانون قرار می‌دهد (اصل ۲۰). همچنین برای اینکه تردیدی در مورد تضمین حقوق زنان مطرح نگردد، اصل ۲۱ به بیان مصادیق مهم حقوق زنان می‌پردازد. این مصادیق، همان‌گونه که از اصل ۲۱ برمی‌آید، دربردارنده تمامی حقوق

زنان نیست و ذکر آنها تنها از جهت بیان موارد مهم است. بررسی اجمالی مقررات موجود نشان می‌دهد که مفهوم حقوق شهروندی همیشه با حقوق بشر همراه بوده و با وجود مطالعه و تحلیل جداگانه آنها از سوی اندیشمندان، در عمل تفکیک خاصی در این مورد صورت نگرفته است. باعث خوشحالی است که اسناد بین‌المللی موجود، تا حد زیادی زمینه معرفی مفاهیم حقوق بشر و شهروندی را فراهم ساخته‌اند. در حقوق داخلی، تصویب قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی را باید نقطه عطفی در قانون‌گذاری داخلی در عرصه حقوق بشر و شهروندی محسوب داشت. البته این نحو از تنظیم مقررات به معنی فقدان مفاهیم مذکور در نظام حقوق داخلی نیست. قانون مذکور را باید اقدامی محسوب داشت که بر اساس آن تلاش گردیده تا مجموعه حقوق شهروندی مندرج در اصول قانون اساسی و معاهدات بین‌المللی که جمهوری اسلامی ایران به عضویت آنها درآمده است، در کنار هم گردآوری شود (السان، ۱۳۸۷، صص. ۱۴-۱۵).

در ارتباط با جایگاه حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران می‌توان به ماده ۱۰ قانون برنامه چهارم توسعه اشاره کرد. قانون‌گذار در ماده ۱۰ این قانون و در فصل ارتقا امنیت انسانی و عدالت اجتماعی نیز دولت را موظف کرده که به منظور ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه‌های رشد تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و... منشور حقوق شهروندی را مشتمل بر محورهای ذیل تنظیم و به تصویب مراجع ذی‌ربط برساند:

الف) پرورش عمومی قانون‌مداری و رشد فرهنگ نظم و احترام به قانون و آیین شهروندی؛

ب) تأمین آزادی و صیانت از آراء مردم و تضمین آزادی، در حق انتخاب شدن و انتخاب کردن؛

ج) هدایت فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی به سمت فرایندهای قانونی، حمایت و تضمین امنیت فعالیت‌ها و اجتماعات قانونی؛

د) تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکل‌های اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان؛

ه) ترویج مفاهیم وحدت‌آفرین و احترام‌آمیز نسبت به گروه‌های اجتماعی و اقوام مختلف در فرهنگ ملی؛

و) حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد؛
ز) ارتقای احساس امنیت اجتماعی در مردم و جامعه (نبوی و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۷۳).

۱-۳. جایگاه منشور حقوق شهروندی در سلسله مراتب قوانین حقوقی ایران

منشور حقوق شهروندی هدفش توسعه مبانی حقوق بشری قانون اساسی بوده و کاملاً به دنبال تحکیم و تقویت مبانی مردم‌سالاری در حوزه‌های مختلف گام برداشته است. در منشور حقوق شهروندی سعی شده همه حقوقی که برای ملت در قوانین مختلف وجود دارد را به صورت یک‌جا جمع‌آوری کرده و در نتیجه باعث سهولت دسترسی و شرح مبسوط‌تری را نسبت به آن احکام ارائه می‌دهد. مزیت دیگری که برای این منشور می‌توان متصور بود این است که بدین وسیله زمینه فرهنگ‌سازی پیرامون حقوق شهروندی آحاد ملت و نهادینه ساختن آن در جامعه خصوصاً در میان دستگاه‌های اجرایی را فراهم آورده است. همچنین بحث پیرامون حقوق شهروندی در نظام اجتماعی را دوباره به راه انداخته و این پدیده را به یک دغدغه در بستر اجتماع تبدیل کرده است. در مجموع اصل نگارش یا تدوین منشور یا دستوری که باعث شود فرد یا نهادی خود را متعهدتر نسبت به تکالیف خود کند امری پسندیده است و شهروندان اغلب این نکته را به نوعی نشان از درک دولت و حسن نیت می‌دانند؛ البته ایراداتی به منشور حقوق شهروندی وارد است که باید رئیس جمهور و متخصصان به این امر توجه مبذول داشته باشند و سعی در اصلاح آن داشته باشند (طاهری، ۱۳۹۵، ص. ۹).

۲-۳. موانع موجود در مسیر اجرای قوانین مرتبط با حقوق شهروندی

علی‌رغم وجود قوانین کم و بیش پراکنده در ارتباط با مفهوم حقوق شهروندی، با این حال می‌توان شاهد موانعی بر سر راه تحقق این حقوق در نظام حقوقی کشور نیز بود. وضعیت موجود نظام حقوقی ما، مطلوب و آرمانی نیست. بنابراین، باید اصلاحاتی را در راستای روزآمد و کارآمدتر کردن نظام حقوقی در جهت انسانی‌تر کردن قوانین انجام داد. البته، اگر در حال حاضر همین پتانسیل‌های موجود در قانون اساسی و ظرفیت‌های فراموش شده آن یا همین قانون صیانت از حقوق شهروندی به معنای واقعی و صادقانه کلمه اجرا شود، بسیاری از مشکلات موجود حل خواهد شد. به عنوان مثال، قانون اساسی، هیئت منصفه را

برای رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی به رسمیت شناخته (اصل ۱۶۸) اما این فرایند به صورت کامل اجرا نمی‌شود. هیئت منصفه باید هیئتی انصاف‌گرا و مردم - نهاد باشد نه دولت - ساخته. در حوزه جرایم سیاسی هنوز رسیدگی با حضور هیئت منصفه صورت نمی‌گیرد، در حوزه مطبوعات هم یک هیئت منصفه دولت - نهاد حاکم است، یعنی اینکه اهداف قانون اساسی را به صورت معوج اجرا می‌کنیم. اگر به روح قانون اساسی توجه شود، می‌توانیم تقویت حقوق شهروندی را در پیش داشته باشیم. اما انکار نمی‌کنیم که قانون اساسی هم مانند همه مصنوعات بشری در مواردی نیاز به بازبینی و بازنگری دارد، ولی نباید به‌جای بازنگری رسمی و شفاف بر مبنای اصل ۱۷۷، از روش بازنگری عملی، عرفی، اعلام نشده و غیررسمی (مانند بازنگری اصل ۴۴ توسط سیاست‌های کلی) بهره گرفت (شهریاری، ۱۳۹۶، ضض. ۱۲۳-۱۲۴).

همچنین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز در نوشتاری این موانع را برشمرده است. به اعتقاد پژوهشگران این مرکز، ابهامات موجود در قوانین مربوط به حقوق شهروندی و مغفول ماندن مسئولیت قوه مجریه در اجرای حقوق شهروندی، دو مانع اصلی بر سر راه اجرای این حقوق هستند. در گزارش این مرکز در ارتباط با تبیین مانع نخست این‌گونه آمده است که نبود پیش‌بینی لازم برای برخورد قانونی با اشخاص و دستگاه‌هایی که از اجرای این اصول ممانعت می‌کنند و تفسیر واژه‌ها و اصطلاحات به‌کار رفته در قوانین که در عمل دایره‌های جدیدی از قوانین را باز می‌کند، در کنار مشخص نبودن مرجع تشخیص قیود اصول قانون اساسی و حقوق شهروندی به صورت شفاف و تعبیر و تفسیرهای متفاوتی که می‌توان از این اصول داشت، از جمله موانع قانونی برای اجرای حقوق شهروندی است. این در حالی است که توضیح و شفاف‌سازی، فعال کردن مسئولیت ریاست جمهوری در اجرای حقوق شهروندی، نهادینه کردن حقوق شهروندی در جامعه، نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی، ایجاد نظام کنترلی دقیق و اصلاح مسیر رسیدگی به پرونده‌ها و دادرسی‌ها از راهکارهای رفع موانع احقاق حقوق شهروندی است. توضیح و شفاف‌سازی کردن مسئولیت ریاست جمهوری در اجرای حقوق شهروندی، نهادینه کردن حقوق شهروندی در جامعه، نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی، ایجاد نظام کنترلی دقیق و اصلاح مسیر رسیدگی به پرونده‌ها و دادرسی‌ها موانع احقاق حقوق شهروندی را رفع می‌کند. آنچه حقوق شهروندی در ایران را با

مشکلات متعدد روبه‌رو کرده، نبود قانون نیست که حالا اسنادی مانند منشور یا حتی قوانین جدید چاره‌گشا باشند. مسئله اساسی این است که دستگاه‌های مختلف به حقوق شهروندی بی‌اعتنایی می‌کنند و در پاره‌ای از موارد نیز این حقوق به شکل‌های مختلف نقض می‌شوند (شهریاری، ۱۳۹۶، صص. ۱۰۹-۱۲۹).

قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نباید به نحوی تفسیر شود که مغایر با تعهدات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران باشد. چراکه بنابر ماده ۴ قانون مدنی (مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است). از جمله تشریفات مذکور برای اعتبار عهود و توافق‌های منعقد با دولت‌ها و سازمان‌های خارجی در اصل ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که به موجب آن (عهده‌نامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد).

در مقام نتیجه‌گیری از قوانین داخلی راجع به حقوق شهروندی باید گفت که این مقررات بیشتر به حقوق بنیادین و شهروندی به مفهوم سنتی آن نظر دارند. با این تفسیر، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی را نمی‌توان اقدامی جامع برای تضمین حقوق شهروندی و تشریح جزئیات این حقوق که کلیات آنها در قانون اساسی بیان شده، محسوب داشت. این قانون جامعیت لازم را از حیث شمول تمامی جنبه‌های حقوق شهروندی دارا نیست. بهتر آن است که زمینه تعلق شهروندان به یکدیگر و به جامعه (داخلی و جهانی) در قالب قانونی جامع پیش‌بینی شده و ضمانت‌های اجرایی برای تضمین این حقوق در نظر گرفته شود. همچنین، مقررات بین‌المللی را باید به سود دخالت دولت‌ها در معادلات بین‌المللی (و در واقع بین دولت‌ها) تفسیر کرده و از این طریق جلوگیری از دخالت مستقیم شهروندان از حیث تصمیم و اجرا را با ضرورت حفظ حاکمیت دولت‌ها و جلوگیری از هرج‌ومرج توجیه نمود. در آینده هم‌سو با ارتقای فرهنگی و اجتماعی بهتر است تا زمینه بهتر و هماهنگ‌تری برای تعلق شهروندان به همدیگر در اسناد بین‌المللی تعریف شود و با مطالعات دقیق و حساب شده زمینه تحقق جنبه‌های مثبت نظریه شهروندی جهانی فراهم گردد (السان، ۱۳۸۷، ص. ۱۹).

۴. اقسام حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران

مهمترین حقوق شهروندی که قانون اساسی جمهوری اسلامی بر آن مهر تأیید نهاده است به شرح ذیل می‌باشد:

۴-۱. اصل مصونیت مسکن و آزادی در انتخاب محل سکونت

طبق اصل بیست و دوم قانون اساسی «حیثیت، جان، مال، حقوق و مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند. بنابراین شهروندان در انتخاب مسکن از آزادی برخوردار هستند مگر مواردی که در قانون استثنا شده است، مانند انتخاب مسکن زن شوهر دار به انتخاب شوهر است یا برخی از افراد بنا بر کارمند دولت بودن مجبور به سکونت در محل خاص هستند یا افرادی که طبق قانون در تبعید به سر می‌برند، مسکن افراد از تعرض مصون می‌باشد. قانون اساسی نیز این مهم را تضمین و بدان صحنه گذاشته است. در اصل سیزدهم متمم قانون اساسی مشروطیت نیز مقرر می‌داشت: «منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است در هیچ مسکنی قهراً نمی‌توان داخل شد مگر به حکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده». در قوانین کیفری از جمله ماده ۵۸۰ قانون تعزیرات که جرم‌انگاری شده است مقرر می‌دارد: «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضائی یا غیرقضائی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت نماید به امر یکی از رؤسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع رم دیگری نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد».

می‌توان تصریح نمود که آزادی مسکن نیز قرآن کریم در آیه ۲۷^۱ و ۲۸^۲ سوره نور بدان اشاره شده است. یا در روایتی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در ماجرای سمره بن جندب که در حیاط مردی انصاری درخت خرمايي داشت که گاه و بی‌گاه اسباب مزاحمت فراهم می‌کرد که پس از احضار وی نزد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مبنی بر عدم مزاحمت برای اهل آن خانه و نپذیرفتن وی از این کار، پیامبر مرد انصاری

را مخاطب قرار داد و فرمود: برو درخت را از ریشه برکن زیرا که اسلام هر گونه زیان رسانیدن به افراد را منع نموده است و مرد انصاری این کار را انجام داد و پیامبر خطاب به مرد خاطی فرمود: حال برو و هر جا که خواستی درخت را غرس کن.

۴-۲. اصل عدم تعرض به مکاتبات

به موجب اصل بیست و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون». بنابراین اصل مزبور در جهت حفظ حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأکید و تضمین شده است. در آیه ۱۲ سوره حجرات^۷ نیز بیان شده است. همچنین در اصول ۲۲ و ۲۳ متمم قانون اساسی مشروطه و قانون جرایم رایانه‌ای مصوب سال ۱۳۸۸ و مواد ۵۸-۵۹-۷۱ قانون تجارت الکترونیکی و ماده ۱۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری نیز در این بیان شده است.

۴-۳. اصل آزادی در انتخاب شغل

در اصل بیست و هفتم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. اصل ۲۹ قانون اساسی می‌گوید: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر... بیکاری... به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یکایک افراد کشور تأمین کند». ماده ۲۳ و تبصره ماده ۳۰ قانون کار و قانون بیمه بیکاری مصوب سال ۱۳۶۶ مربوط به حمایت از بیکاران و پرداخت بیمه بیکاری می‌باشد.

تبصره ماده ۳۰ قانون کار اشعار می‌دارد: «دولت مکلف است با توجه به اصل بیست و نهم قانون اساسی و با استفاده از درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم و نیز از طریق ایجاد صندوق بیمه بیکاری نسبت به تأمین معاش

کارگران بیکار شده کارگاه‌های موضوع ماده ۴ این قانون اقدام و با توجه به بند ۲ اصل چهل و سوم قانون اساسی امکانات لازم برای اشتغال آنان را فراهم نماید.

۴-۴. اصل ممنوعیت تفتیش عقاید

با توجه به اصل بیست و سوم قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌های مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد». اصل مزبور صریحاً و مطلقاً تفتیش عقاید را ممنوع بیان می‌دارد. همچنین در اصل دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم قانون اساسی بر آزادی عقیده، مذهب اشاره دارد و آزادی‌های تصریح شده در این اصول را می‌توان در زمره حقوق شهروندان قلمداد کرد. علی‌رغم آزادی عقیده و منع تفتیش آن این نکته را باید در نظر داشت که آزادی عقیده تا جایی غیر آزاد و مجاز است که موجب افتراء، توهین و تبلیغ عقاید باطل خود به دیگران یا بر هم زدن نظم عمومی حاکم بر جامعه نباشد. خداوند متعال در آیه ۲۵۶ سوره بقره می‌فرماید: «امر دین به اجبار نیست که را هدایت و ضلالت بر همه‌کس روشن گردیده است»^۸ و همچنین در آیه ۳ سوره انسان خداوند متعال می‌فرماید: «ما انسان را به راهش هدایت کردیم تا انتخاب کند که سپاسگزار نعمت‌ها باشد و یا کفران نعمت نماید»^۹.

۴-۵. آزادی رفت و آمد

یکی دیگر از حقوقی که شهروندان یک جامعه سیاسی باید از آن برخوردار باشند آزادی رفت و آمد و تردد در داخل و یا خارج از کشور است. قانون اساسی در اصل ۳۳ در این مورد مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد». بنابر ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی: «اقامتگاه هر شخص عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم او نیز آنجا باشد. هرکس باید بتواند آزادانه و بدون کسب اجازه قبلی اقامتگاه خود را برگزیند و یا آن را تغییر دهد. همچنین خداوند متعال در آیه ۲۰ سوره عنکبوت می‌فرماید: «بگو: در زمین سیر کنید و بنگرید که چگونه خدا موجودات را آفریده است. سپس آفرینش آخرت را پدید می‌آورد»^{۱۰}.

۴-۶. آزادی آموزش و پرورش

قانون اساسی جمهوری اسلامی در بند سوم از اصل سوم، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای تمام شهروندان در تمام سطوح را مقرر نموده است. همچنین در اصل سی‌ام قانون اساسی دولت مکلف شده است وسایل آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت را تا پایان دوره متوسطه فراهم آورد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سوم، بالا بردن سطح آگاهی‌های مردم و تقویت روحیه تحقیق، تتبع و ابتکار در زمینه‌های علمی را نیز مدنظر قرار داده است. از جمله وظایف اساسی دولت طبق بند دو اصل سوم عبارت است از: «... بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر» و طبق بند ۴ همان اصل: «تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان» (مهرپور، ۱۳۹۴، ص. ۷۳). در اصل ۱۸ قانون اساسی مشروطیت: «تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد». همچنین بنا بر نظریه شماره ۱۵۴۳ مورخ ۱۳۶۳/۵/۱۷ شورای نگهبان «... آموزش رایگان در حد امکان کلاً یا بعضاً باید فراهم شود... مستفاد از اصل سی‌ام قانون اساسی، دولتی بودن آموزش و پرورش و دانشگاه‌های ملی استفاده نمی‌شود...». در خصوص علم و جایگاه آن و امر آموزش در قرآن و روایات متعدد به این مهم تصریح شده است. در آیه ۲۵ سوره حدید: (ما پیامبران خود را با دلیل‌های روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان سنجش عدل از ستم نازل کردیم، تا مردم در همه کارها با عدالت رفتار کنند.

۴-۷. حق تابعیت

یکی دیگر از حقوق شهروندی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مورد تأکید قرار گرفته است، حق تابعیت و حق تغییر تابعیت است. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز در اصل چهل و یکم مقرر می‌دارد: «تابعیت کشور ایران، حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند؛ مگر به درخواست خود او و یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید». طبق اصل چهل و دوم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت این‌گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری، تابعیت آنها را بپذیرند یا

خود آنها درخواست کنند». در ماده ۹۸ قانون مدیریت خدمات کشوری نیز «تابعیت کشور بیگانه به شرط گواهی وزارت امور خارجه سبب انفصال از خدمات دولتی می‌باشد». همچنین طبق ماده ۹۷ قانون استخدام کشوری: «ترک تابعیت موجب قطع حقوق بازنشستگی و حقوق وظیفه است».

۵. ملازمه مفاهیم شهروندی با مبانی نظام‌های حقوقی

در چارچوب فوق‌الذکر بی‌گمان لایه‌های قانونی در هر نظام حقوقی می‌تواند شامل مقرره‌هایی دانسته شود که به لحاظ ماهوی، مفادی از حق‌های شهروندی یا تعهدات متناظر آن را پوشش می‌دهند (موسوی و سلیمانیان، ۱۳۸۶، صص. ۸۵-۱۲۰). همچنین دسته‌ای از نهادهای حقوقی در هر نظام حقوقی وجود دارند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به شیوه جذب شهروندان در زندگی اجتماعی و سیاسی یا نحوه مشارکت آنها در تصمیم‌سازی جمعی مربوط می‌شوند. نهایتاً مجموعه ترتیبات، آیین‌ها و سازوکارهای حقوقی، مجموعه‌ای از آگاهی‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها و امکان‌مندی‌ها را برای هر شهروند پدیدار می‌سازند که از طریق آنها، آزادی‌هایی تضمین و تثبیت می‌شوند و در مقابل تضییقات و تحدیداتی اعمال می‌شود (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۲، صص. ۱۲۰-۱۴۳).

هیچ نظام قانونی نوینی را نمی‌توان یافت که ولو به طور پراکنده و نامنسجم به طرح موضوعات شهروندی نپرداخته باشد یا دست‌کم حاوی مقرره‌هایی نباشد که مستقیم یا غیرمستقیم جنبه‌های مربوط به حقوق، تعهدات، مشارکت و هویت شهروندی را تحت تأثیر قرار ندهد (واندرمرچ، ۱۳۵۶، صص. ۳۶-۳۹). نباید فراموش کرد که نظام حقوقی کشور، صرفاً در قانون اساسی خلاصه نمی‌شود و لزوماً یک مطالعه جامع پیرامون حقوق شهروندی باید همه لایه‌های قانونی را پوشش دهد ولی جایگاه قانون اساسی در رأس هرم قوانین و نیز عدم اعتبار قوانین مغایر با آن، در نظام هر می حقوقی و نیز راهگشایی و روشنگری آن در شیوه تفسیر سایر قوانین و نیز قلمرو اعتبار و قابلیت استناد به آنها می‌تواند چنین تکیه و تأکیدی را بر قانون اساسی موجه نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۲، صص. ۱۳-۱۵).

طبق نص مقدمه قانون اساسی «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران (ابعاد گوناگون مرتبط با جنبه‌های

فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شهروندی) بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی (مفهوم فراگیر شهروندی) می‌باشد (مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

ماهیت انقلابی و مردمی مفاهیم مرتبط با شهروندی و اصول مربوط به قانون ماهیت انقلابی و مردمی مفاهیم مرتبط با شهروندی و اصول مربوط به قانون اساسی لزوماً باید در پیوند با هم تفسیر شود و سیاق نگارش مقدمه قانون اساسی نیز که مرزهای آگاهی، نگرش و عمل شهروندان، اعم از زن و مرد را به عنوان طلیعه نهضت به طرز پویا و انقلابی بازنمایی می‌کند (هاشمی، ۱۳۸۱، ص. ۸۸) را، روشن می‌سازد.

فرع بر اینکه قانون اساسی متضمن چه ایده‌هایی درباره حقوق و تکالیف شهروندان می‌باشد و گستره حق‌ها و وظایف هر شهروند چیست، باید نسبت به چگونگی شناسایی و اعطای این گستره به طور برابر برای همه شهروندان تعیین تکلیف شود یا اینکه هرگونه نابرابری موجه یا تعدیل شود. و نیز فرع بر اینکه سازوکارها و روندهای مربوط به مشارکت چه حق‌ها و تکالیف، امتیازها، منافع و موقعیت‌هایی را برای افراد به رسمیت می‌شناسد، نسبت به خود ایده خودمختاری شهروندان و نتیجه منطقی آن در شناسایی مشارکت شهروندان در قانون اساسی باید موضع مناسبی اتخاذ شود و هر گونه قیومت و راهبری و رویکرد حمایت یا هدایت به جای مشارکت باید موجه شود (همتی، ۱۳۸۷، صص. ۲۵-۴۹). نهایتاً فرع بر اینکه چه مکانیزم‌ها و سازوکارهایی برای تحقق دستیابی شهروندان به استفاده از مواهب اجتماعی پیش بینی شود، خود ایده مطلوبیت، ضرورت بهره‌مندی و رفاه، باید کاربردپذیر شود.^{۱۱}

در اصل دوم قانون اساسی، (کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا (بند ششم از اصل دوم قانون اساسی)، به عنوان یکی از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی مطرح شده است. عبارت‌بندی روشن و دلپذیر این بند از قانون اساسی، به طرز مناسبی می‌تواند بستر و گرانیگاه پیوند دو طرز نگاه حق محور و فضیلت‌گرا به شهروندی قرار گیرد (هاشمی، ۱۳۸۶، صص. ۹۷-۱۰۲).

اسلام یک نظام آرمانی است که در آن از یک طرف، جامعه نمونه ترسیم می‌شود تا مردم آن را الگوی خویش قرار دهند (جنبه‌های هویت و همبستگی نظام شهروندی اسلامی) و از طرف دیگر، برای مردم جایگاه شایسته‌ای بنا می‌شود تا در یک نظام

ارزشی هم مشمول حق و تکلیف شوند (جنبه‌های حقوق و تعهدات شهروندان) و هم اینکه نقش‌آفرین سرنوشت سیاسی خود باشند (جنبه مشارکتی شهروندی) (جعفری، ۱۳۸۸، صص. ۱۲۳-۱۳۴).

قانون اساسی در خصوص جنبه‌های مربوط به حمایت اجتماعی، متناسب با نسل‌بندی حقوق شهروندی قائل به تفکیک‌های دقیقی شده است. می‌توان در بعد اجتماعی شهروندی در مکعب پیش گفته از سویی بر دسترسی همه شهروندان به امکانات اجتماعی برای تأمین نیازهای رفاهی خود سخن گفت و از سویی دیگر جنبه برابری جویانه به آن داد و دسترسی برابر شهروندان به استانداردهای زندگی اجتماعی و حداقل رفاه و حمایت اجتماعی را بازنمایی کرد (هاشمی، ۱۳۸۶، صص. ۲۸۴-۲۸۶).

متناسب با این تفکیک، بند نهم اصل مزبور به «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» اشاره می‌کند و در ادامه بند دوازدهم همان اصل، «پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه» را هدف‌گذاری می‌کند که جهت ایجاد رفاه، رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در شاخه‌های گوناگون رفاهی چون تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تأمین اجتماعی کاربردپذیر است (هاشمی، ۱۳۸۶، صص. ۲۸۳-۲۸۰؛ ۳۵۰-۳۴۲). علاوه بر ابعاد مدنی، سیاسی و اجتماعی، ابعاد هویت و فضیلت شهروندی نیز مدنظر این اصل بوده است. تأکید آشکار بند پانزدهم بر «توسعه و تحکیم برادری و تعاون عمومی بین همه مردم» (هاشمی، ۱۳۸۱، صص. ۲۸۵-۲۹۱). به عنوان مکانیزم‌های همبستگی شهروندی و نیز تأکید بند اول اصل مزبور، به رشد فضایل اخلاقی و نهایتاً تأکید روشمند بند ششم اصل پیش گفته به محور هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی (هاشمی، ۱۳۸۱، صص. ۲۹۳-۳۰۹)، به خوبی می‌توانند این جنبه‌ها را پوشش داده و کاربردپذیر سازند.

اطلاق اصل سوم به «تأمین مشارکت در تمام سطوح» می‌تواند در این ارتباط مورد استناد باشد. اما مهم تر آنکه طرز نگاه ایدئولوژیک قانون اساسی و درک آن از مطلق انسان به عنوان خلیفه خداوند بر زمین و نیز فهم آن از پیام جهانی و انسانی دین، تا حدود زیادی از مرزهای ملی فراتر می‌رود. این نکته را به لحاظ تئوریک به نحو دیگری نیز می‌توان بیان کرد. یک گزارش نظری از سنت‌های شهروندی می‌تواند نشان دهد که حوزه بحث حقوق شهروندی در کشورهای اروپایی و آمریکایی عمدتاً زیرمجموعه

شاخه علوم سیاسی قرار دارد و بیشتر ناظر به حقوق مشارکت شهروندان در اداره امور کشور بوده و جلوه‌های گوناگونی از آن حق را دربرمی‌گیرد. طبیعتاً در این مفهوم، حقوق شهروندی مقید به مرزهای یک کشور است و نسبت نزدیکی با مقوله تابعیت دارد. مترادف با (حقوق بنیادین بشر) به‌کار می‌رود. دلیل این امر را شاید بتوان در تلقی آموزه‌های دینی از حقوق فطری انسان‌ها، به ویژه تأکیدات دین مبین اسلام بر کرامت انسانی و دامنه وسیع حقوق اشخاص در این اندیشه جستجو کرد. چنانکه در آثار و آرای برخی از متفکران و عالمان اسلامی همچون فارابی از حقوق انسان در عرصه اجتماع با عنوان (حقوق مدنی) یاد می‌شود و مقصود حقوق انسان‌ها (شهروندان در بستر ظهور شهرها و تمدن‌های جدید) است (ذاکری، ۱۳۸۶، صص. ۴-۵).

نتیجه‌گیری

یکی از مفاهیم جذاب در جوامع مدرن مفهومی است به نام حقوق شهروندی که عموم افراد تشکیل‌دهنده این جوامع از آن بهره‌مند می‌باشند و اغلب جریان‌های سیاسی در این جوامع در راستای نیل به اهداف خود از آن استفاده تبلیغاتی به عمل می‌آورند. حقوق شهروندی به مجموع حقوق و آزادی‌هایی گفته می‌شود که دولت اجرای آن را طبق قوانین داخلی برای اتباع خود تأمین و تضمین کرده است و محتوای آن ممکن است از یک کشور به کشور دیگر متفاوت باشد. این حقوق نیز همانند مفاهیم دیگر حقوقی از سیر تحول خاصی برخوردار می‌باشد که شامل سیر تحول تاریخی بین‌المللی و سیر تحول تاریخی در ایران می‌باشد. در ارتباط با جایگاه حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران نیز ابتدائاً می‌توان به منابعی نظیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. به طور مثال در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصولی را می‌توان یافت که به طور صریح یا ضمنی به حقوق شهروندان ارتباط می‌یابند. حتی فصل سوم (شامل اصول ۱۹ تا ۴۲) به (حقوق ملت) اختصاص یافته است. علاوه بر قانون اساسی، در قوانین عادی نیز حقوق شهروندی به صورت پراکنده مورد اشاره قرار گرفته است. در این راستا می‌توان ماده ۱۰ قانون برنامه چهارم توسعه را مورد اشاره قرار داد. با این حال، در نظام حقوقی ایران، قوانین مدون و متمرکزی در ارتباط با حقوق شهروندی مشاهده نمی‌شود و می‌توان صرفاً گفت که قانون حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران متصور نیست و فقط منشور

حقوق شهروندی وجود دارد که آن نیز در سلسله مراتب حقوقی جایگاه قانون را نمی‌تواند داشته باشد با این حال منشور حقوق شهروندی خود از اهمیت والایی برخوردار است به طور مثال هدف منشور حقوق شهروندی توسعه مبانی حقوق بشری قانون اساسی بوده و در راستای تحکیم و تقویت مبانی مردم‌سالاری در حوزه‌های مختلف گام برداشته است. در منشور حقوق شهروندی سعی شده همه حقوقی که برای ملت در قوانین مختلف وجود دارد را به صورت یکجا جمع‌آوری کرده و در نتیجه باعث سهولت دسترسی و شرح مبسوط‌تری را نسبت به آن احکام ارائه می‌دهد علی‌ایحال، آنچه که در این نوشتار به عنوان نکته بنیادین و مهم مورد توجه قرار گرفت، بحث ملازمه مفاهیم شهروندی با مبانی نظام‌های حقوقی می‌باشد. در حقیقت نظام حقوقی کشور، صرفاً در قانون اساسی خلاصه نمی‌شود و لزوماً یک مطالعه جامع پیرامون حقوق شهروندی باید همه لایه‌های قانونی را پوشش دهد ولی جایگاه قانون اساسی در رأس هرم قوانین و نیز عدم اعتبار قوانین مغایر با آن، در نظام هر می حقوقی و نیز راهگشایی و روشنگری آن در شیوه تفسیر سایر قوانین و نیز قلمرو اعتبار و قابلیت استناد به آنها می‌تواند چنین تکیه و تأکیدی را بر قانون اساسی موجه نماید. لذا حقوق شهروندی به نوبه خود می‌تواند تأثیر بسزایی بر نظام حقوقی ایران را ایفاء نماید.

یادداشت‌ها

1. cite
2. civitas
3. citizenship
4. nationality
۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ.
۶. فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ.
۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَكَأَنَّ تَجَسَّسًا وَكَأَنَّ يَعْتَبَبَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا...
۸. لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ.
۹. إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا
۱۰. قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ.
۱۱. از زاویه دیگر می‌توان مشارکت را به عنوان زمینه تحقق رفاه اجتماعی و به تبع آن امکان استفاده از حقوق و آزادی‌های واقعی دانست (نگاه کنید به: شیانی، ۱۳۸۳).

کتابنامه

- قرآن کریم
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
قانون استخدام کشوری
قانون جرایم رایانه‌ای
قانون کار
قانون مدنی
قانون مدیریت خدمات کشوری
آبراهامیان، پرواندا (۱۳۸۸). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی و ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
آریان‌پور کاشانی، منوچهر (۱۳۸۰). *لغت‌نامه انگلیسی - فارسی*.
آقابخشی، علی و افشاری، مینو (۱۳۸۳). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: نشر چاپار.
احمدی طباطبایی، سیدمحمد رضا (۱۳۸۸). «حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی»

- جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه خط اول، رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم، (۸)، صص. ۱۸-۳.
- السان، مصطفی (۱۳۸۷). «حقوق شهروندی از چشم‌انداز نظریه شهروندی جهانی و قوانین و مقررات ایران». حقوق بشر، ۶(۲)، صص. ۲۰-۳.
- انوری، حسن (۱۳۸۳). فرهنگ روز سخن. تهران: نشر سخن.
- براتعلی‌پور، مهدی (۱۳۸۷). شهروندی و سیاست نو فضیلت‌گرا. تمدن ایرانی.
- پللو، روبر (۱۳۷۰). شهروند و دولت. ترجمه ابوالفضل قاضی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ترنر، برایان. اس (۱۳۸۶). «مفهوم شهروندی». ترجمه جواد کارگزاری، مجله حقوقی - دادگستری، (۵۸)، صص. ۱۷۲-۱۵۳.
- جاوید محمدجواد (۱۳۸۷). نظریه نسبیّت در حقوق شهروندی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جهانگیر، منصور (۱۳۸۵). مجموعه قوانین و مقررات آیین دادرسی کیفری. تهران: نشر دیدار.
- حقگو، مسعود (۱۳۸۷). مبانی حقوق شهروندی در اسلام. (پایان‌نامه). دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
- ذاکری، مهدی (تدوین و گردآوری) (۱۳۸۶). مجموعه مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی. تهران: انتشارات قوه قضائیه.
- راسخ، محمد (۱۳۸۲). «تئوری حق و حقوق بشر بین الملل». مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، (۴۱).
- رحیمی، مصطفی (۱۳۸۹). قانون اساسی مشروطه و اصول دموکراسی. تهران: نیلوفر.
- شهریاری، اکبر (۱۳۹۶). «ابهامات و موانع قانونی حقوق شهروندی». فصلنامه علمی - حقوقی قانون یار، ۴(۴)، صص. ۱۳۰-۱۰۹.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۲). وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران. (پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی)، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
- صدری افشار، غلامحسین (۱۳۷۷). فرهنگ معاصر فارسی. تهران: نشر اندیشه.
- طاهری، محسن (۱۳۹۵). «نقد و بررسی جایگاه حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به منشور حقوق شهروندی». جهاد دانشگاهی آذربایجان غربی، دوره ۲.
- طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۸۸). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عنایت، حمید (۱۳۸۵). سیاست ارسطو. تهران: علمی و فرهنگی.

- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۲). «حق تعیین سرنوشت و مسئله نظارت بر انتخابات». فصلنامه تربیت مدرس، ۷(۳)، صص. ۱۲۳-۱۴۰.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). مقدمه علم حقوق. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گولد، جولیس ل. کولب، ویلیام (۱۳۷۴). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه محمدجواد زاهدی مازندرانی، تهران: انتشارات پیام.
- مسعودی، علی (۱۳۹۹). مشروطه ایرانی و مسئله قانون. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد و سلیمانان، مهسا (۱۳۸۶). «بررسی فقهی - حقوقی حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». مجله متین، ۳۰(۳)، صص. ۸۳-۱۲۰.
- مهرپور، حسین (۱۳۹۴). حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران. تهران: اطلاعات
- نبوی، سیدعبدالحسین و همکاران (۱۳۸۹). «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی». جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، ۲۲(۴)، صص. ۷۳-۹۶.
- نقی‌پور، رسول و علیزاده، اکبر (۱۳۹۲). حقوق شهروندی اصحاب دعوی کیفری. ارومیه: فانار.
- واندرمرچ، گانزوف (۱۳۵۹). حمایت حقوق بشر در حقوق اساسی. ترجمه دکتر نجادعلی الماسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۱). «نگرشی کوتاه بر تضمین امنیت شهروندان در نظام اسلامی و حقوق بین‌المللی و داخلی». در مجموعه مقالات همایش بین‌الملل حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها، قم: دانشگاه مفید.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۶). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر میزان.
- همتی، مجتبی (۱۳۸۷). «آموزش شهروندی». نشریه حقوق اساسی، ۹(۹)، صص. ۳۲۱-۳۴۲.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی